

برای اینکه فراموش نشوم

جای دارد اکنون که تلاش‌ها و لطف بی کران دوستان در فرآیند برگزاری پروژه « برای اینکه فراموش نشوم» ثمربخش بوده و نتایج ارزشمندی داشته است، از همه دوستانی که در این راه یاریگر ما بوده اند، مراتب تقدیر و سپاس‌گزاری مان را ابراز داشته سرافرازی و تندرستی‌شان را خواستاریم؛ دوستانی ذکر نامشان یادکردی از پشت گرمی و امید برایمان به ارمغان می‌آورد:

فرشید پارسی کیا، فرانک احمدزاده، یوریک کریم مسیحی، محمدرضا توتونچیان، محمد شمس، فرید هاشمی، افشین معاریان، محمد اسمعیل نیا، بهاره جعفری، بامداد موجنی، زکیه شادلو، حمید تبریزی، محسن مشکینی و احمد واضحی .



برای اینکه فراموش نشوم

«برای اینکه فراموش نشوم» در واقع ویتربنی خاک گرفته و به جا مانده از مردمانی در آمیخته با سنت و مدرنیته

است. جامعه‌ای که به تازگی با رسانه، پوشش و آداب فرنگ تلفیق شده و همچنان در پس یا پیش ذهن خود،

ریسمان سنت را چسبیده است. برای فهم چنین جامعه‌ای، نه اغراق و حسرتی تهی از حقیقت راه‌گشاست و نه

کلمات بی انتهای تحلیلی. واقعیت این مردمان در عکس‌هایشان نهفته است؛ عکس‌هایی از روزمرگی مردان و

زنانی که در روز و ساعتی مشخص در گوشه‌ای از یک عکاسخانه و یا به دست آشنایی در پشت دوربین، لیخند یا

سگرمه‌ای درهم از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ کما اینکه بعضی‌ها به مانند اوضاع و احوالات دائماً درهم این خاک،

تار و مخدوش مانده‌اند.

در جدال هنجارها و ساختارهای اجتماعی، توصیفات جعفر شهری کور سوی نوری است برای نزدیکی به جامعه‌ای

که تا به امروز دگرگونی چندانی در ذهنیت‌اش رخ نداده است.

شیما ظاهری پارسا- محمد مخبری

چه اموری باعث اختلال حواس می‌شود؟

دلهره و اضطراب، ناامنی و هول، ترس از تعقیب و مجازات، خسران مال، یأس و ناامیدی، مشغله و مسئولیت، وحشت از آینده، عدم اطمینان به فردا و فرداها، دخل اندک و خرج زیاد، مونس ناموافق، نامساعد بودن مردم و محیط، استماع اخبار هولناک خاصه به طور مستمر، مشکل لاینحل، مخدوم و رئیس و قائد بی‌عنایت، غم و گریه و ماتم و عزا، رنجیدگی، آشفتگی، هرج و مرج، جور و ستم، مصاحبت ناهل، ملاقات شریر، غوغا و جدال، گفت‌وگو و منازعه.

تاریخ اجتماعی تهران قرن سیزدهم، جعفر شهری، جلد ۱، صفحه ۵۳۹-۵۴۰

هرکس کارهایی را که باید نکند، نکند دیوانه است!

آن‌هایی که در ادارات دولتی نخواهند بدزدند و دروغ بگویند و کارشکنی بکنند و هم‌رنگ بقیه بشوند، دیوانه‌اند. کسی که از زن و دختر و خواهر و برادر خوشگل خود برای پیشرفت و ترقی خود استفاده نکند، دیوانه است.

هرکس در تشکیلات مملکت خواست کم بخورد و گرد بخوابد دیوانه است.

هرکس از بازار آشفته استفاده نکرد دیوانه است.

اگر کسی خالی بی‌صاحب و بار دید و سوار نشد دیوانه است.

هرکه خرد شد و سواری داد عاقل، هرکه رمید و لگد انداخت و زیر بار نرفت دیوانه است.

هرکس دور از فهم دیگران حرف بزند، دیوانه است.

تاریخ اجتماعی تهران قرن سیزدهم، جعفر شهری، جلد ۱، صفحه ۵۶۹-۵۷۰

آنها که زنان را دست کم گرفته، خود دست کم بوده‌اند.

یک زن می‌تواند به جای صد و گاهی هزار و میلیون مرد ویرانی و آبادی بیاورد.

تاریخ اجتماعی تهران قرن سیزدهم، جعفر شهری، جلد ۱، صفحه ۵۹۰

همه پیشواها اول دیوانه حساب شده پس از آن که قدرت گرفته‌اند روی کلامشان هزارها کتاب نوشته‌اند. پول و قدرت غیب را حسن می‌کند.

تاریخ اجتماعی تهران قرن سیزدهم، جعفر شهری، جلد ۱، صفحه ۵۷۱

هرکس زبانش در بند نباشد در بند و زنجیر کشیده می‌شود.

تاریخ اجتماعی تهران قرن سیزدهم، جعفر شهری، جلد ۱، صفحه ۵۷۰

قافله‌ای عزم رحیل می‌کند و براه می‌افتد و یکی از میان توان حرکتش سلب شده جا می‌ماند، آیا این جا مانده که دیر و زود نابود بیابان مرگ و خوراک جانوران می‌شود زنده به حساب می‌آید؟!

تاریخ اجتماعی تهران قرن سیزدهم، جعفر شهری، جلد ۱، صفحه ۵۹۰

ملتی که همیشه گرفتار چپوچپان بی مروت خودی و بیگانه و مهاجمان گرسنه و گدای دیرآمده‌ی دستپاچه بوده. تا دیده خشونت و رنج و ستم دیده، نبرنگ و فریب خورده، دروغ شنیده، هستی‌اش به تاراج رفته، به ناچار تأثیر پذیرفته، هنوز چه محکم استخوانی بوده که مسخ نشده است.

تاریخ اجتماعی تهران قرن سیزدهم، جعفر شهری، جلد ۶، صفحه ۴۷۹







هرکس کارهایی را که باید بکند، نکند
دیوانه است!















آن‌هایی که در ادارات دولتی نخواهند
بدزدند و دروغ بگویند و کارشکنی بکنند و
همرنگ بقیه بشوند، دیوانه‌اند.




سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران











کسی که از زن و دختر و خواهر
و برادر خوشگل خود برای
پیشرفت و ترقی خود استفاده
نکرد، دیوانه است.



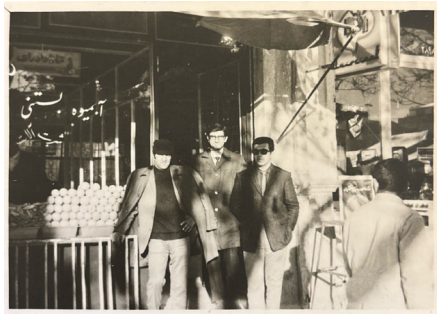






یک زن می‌تواند به جای صد و
گاهی هزار و میلیون مرد ویرانی و
آبادی بیاورد.





هرکس دور از فهم دیگران
حرف بزند، دیوانه است.









هرکس زبانش در بند نباشد در
بند و زنجیر کشیده می شود.







این جان این کسرها از خود نیست و ما

بزرگ است میفرستد میفرستد آنرا

نگاه دارد و ما در آنجا هستیم

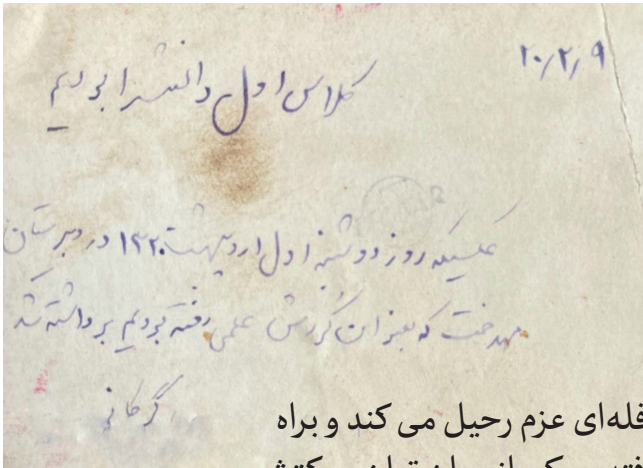
4408
و ما در آنجا نگاه داریم

در سفر با هم میرویم و میگردیم دورا.....

دوستان

تعالی

دانشگاه تهران در محوطه دانشگاه آبرابوز
۳۲ فروردین ۱۳۲۴



قافله‌ای عزم رحیل می‌کند و براه
می‌افتد و یکی از میان توان حرکتش
سلب شده جا می‌ماند، آیا این جا
مانده که دیر و زود نابود بیابان مرگ
و خوراک جانوران می‌شود زنده به
حساب می‌آید؟!

۲۱۲۹۷

برسد به قطعه علم نان خود و صدم را که از

بابل شهر عدم و ابراهیم با دو سولت اعلی

عدم مدارم محمد بن محمد با دو سولت اعلی ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸

کامل
مهر

۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۱۸

عکس ناقابل خود در سوهر عزیزم
را به زسی سال از دو ا.ج.
تقدیم در دست عزیز و عزیزان
خود منتشر می‌توانم باشد که
مورد قبول آن در دست گرامی
و آفر شود

۱۷/۵/۴۵

عکاسخانه پاری


تهران - شاه آباد

۱۴۴۰۹۸









ملتی که همیشه گرفتار چپوچیان بی
مروت خودی و بیگانه و مهاجمان
گرسنه و گدای دیرآمدهی دستپاچه بوده.
تا دیده خشونت و رنج و ستم دیده،
نیرنگ و فریب خورده، دروغ شنیده،
هستی اش به تاراج رفته، به ناچار تاثیر
پذیرفته، هنوز چه محکم استخوانی
بوده که مسخ نشده است.







هرکس در تشکیلات مملکت
خواست کم بخورد و گرد بخواهد
دیوانه است.





هرکس از بازار آشفته
استفاده نکرد دیوانه است.



همه پیشواها اول دیوانه حساب شده
پس از آن که قدرت گرفته‌اند روی
کلامشان هزارها کتاب نوشته‌اند. پول
و قدرت عیب را حسن می‌کند.









اگر کسی خالی بی صاحب
و بار دید و سوار نشد
دیوانه است.

